

# تهیه مقدمات و اجرای مراسم زرتشتی در بین زرتشتیان ایران و پارسیان هندوستان

مقدمه باید دانست که در بین زرتشتیان ازدواج با خارج از مذهب گناهی عظیم و غیر قابل بخشایش شمرده می‌شده و فعلاً نیز در بین پارسیان هند چنین است. ولی در این اواخر خلای آئینم زیاد دیده شده. بحث در اینکه تا چه حد این رسم صحیح است و چرا پارسیان هند در این عقیده ثابت قدم مانده اند از حوصله این مقاله خارج است و آن را به موقع مناسب تری واگذار میکنم. از ذکر این نکته نیز ناگزیرم که در چندین سال با اینطرف مخصوصاً در تهران مراسم و تشریفات که در قدیم مرسوم بوده تقریباً متروک مانده و امروز مراسم عروسی بطرز خاصی که ترکیبی است از سبک اروپائی و ایرانی توأم با عقاید مذهبی و سنن ملی اجرا میشود آنچه در این جا شرح میدهم تشریفات و مراسم کاملی است که کم و بیش تا امروز هم در بین زرتشتیان مخصوصاً در یزد و کرمان معمول است. البته در این تشریفات نیز اختلافاتی بر حسب محل و موقعیت و عادات مردم هر شهری دیده میشود.



(۱)

داماد بخانه عروس میفرستند. بافاصله سه یا هفت روز دختر و خانواده او تصمیم خود را گرفته و جواب را با همین تشریفات بر میگردانند منتهی اگر جواب مثبت باشد دستمال و شیرینی را عوض میکنند و اگر منفی باشد عین هدیه را با نامه ای که مشعر بر عدم قبول پیشنهاد مزبور است بر میگردانند.

پس از این مرحله هر دو خانواده با توافق یکدیگر مقدمات جشن «شیرینی خوران» یا «نامزدی» و یا با اصطلاح معمولی «طلبان» را فراهم میسازند، این مرحله با مرحله اول معمولاً فاصله زیادی ندارد تشریفات مراسم «طلبان» خیلی مفصل تر از «آری گرفتن» است و تقریباً تمام چربیانات این جشن در خانه عروس و بخرج او انجام میگیرد و در صورتیکه خیلی مفصل باشد شام نیز بدعوت داده میشود، در باره هدایائی که باید در روز مزبور بین طرفین رد و بدل شود قبلاً توافق کامل حاصل مینمایند.

بعد از ظهر روز مقرر مادر و خواهر داماد با تفاق ۳ یا ۵ نفر (۳) و خود داماد هدایا را که عبارت از چندین عدد کله قند که روکش سبز دارد و (بقند سبز

ابتدائی ترین مرحله «بسنده» است یعنی پسر و دختر همدیگر را مبینند و می بسنند این اصل همیشه مراعات نشده و گاهیگاهی خلاف آن نیز مشهود گردیده است. پیشنهاد همیشه از طرف پسر و بستگان او میباشد و دختر فقط حق قبول یارد دارد.

پس از آنکه خانواده پسر از قبول و پذیرش دختر و خانواده او اطمینان حاصل کردند (۱) اولین مرحله رسمی ولی خصوصی شروع میشود و آن مرحله قبول پیشنهاد خواستگاری یا «آری گرفتن» و عبارت دیگر «بله بران» است که «رقعه نویسان» هم بآن میگویند.

در این مرحله روزی را انتخاب میکنند و معمولاً خانواده عروس هم از این انتخاب اطلاع دارند، در این روز، نامه ای که از طرف خانواده داماد مشعر بر پیشنهاد ازدواج و خواستگاری از طرف پسر بامضای پدر یا پدرخوانده او تهیه شده با مقداری شیرینی برنگ سبز و سفید و ندره و رنگهای دیگر و قدری برک آویشن (۲) در سینی میگذارند و دستمال ابریشمی سبزی روی آن میکشند و بوسیله یکی از بستگان نزدیک

۱ - این اطمینان بوسیله اقرابای پسر یا اشخاص دیگری حاصل و با اطلاع بستگان داماد میرسد.  
 ۲ - گیاهی صحرائی و خوشبوست که در تمام جشنها و عروسی بدون استثناء برای تبرک و شکون بکار برده میشود. علاوه بر آویشن شاخه ای از درخت سرو و مورد هم در این مراسم از واجبات است.  
 (۳) مجموعاً باید پنج یا هفت نفر باشند.



- معروفست) و يك يا چند قواره پارچه لباس ، و... (۴) را با يك ظرف نبات و قدری آویشن در چند سینی گذاشته و با يك سینی پر از شیرینی و يك جفت لاله یا شمعدان در حالیکه شمع در آن روشن است (۵) با خود بخانه عروس میبرند. پس از ورود داماد در جای مخصوص بین مدعوین که همه حاضر شده اند قرار میگیرد و بلافاصله عروس را نیز در پهلوئی او جای میدهند و هدایائی را که با خود آورده اند در جلو آنها میگذارند.
- داماد حلقه یا انگشتری را که عروس تهیه دیده و در یکی از سینی هاست در انگشتش مینماید و عروس نیز متقابلاً این عمل را انجام میدهد. بعد مادر داماد یا خواهر داماد ظرف نبات و يك انار که پنج یا هفت سکه سفید (قره) بآن زده شده است در دامان عروس میگذارد و باین عبارت «مبارک باشد، خیر هم ببینید، با هم پیر شوید» تبریک میگوید و متعاقب آن نیز قواره پارچه و کفش و جوراب و... و يك قند سبز به عروس میدهد و مقداری آویشن در مشتش میریزد بلافاصله مادر یا خواهر عروس نیز هدایائی نظیر هدایای فوق بداماد میدهد.
- متعاقب آن هدایائی از طرف خانواده عروس و داماد بهريك از بستگان پسر و دختر داده میشود معمولاً این هدایا يك عدد قند سبز یا دستمال ابریشی سبز رنگ است. سپس هر يك از خوبشان و بستگان و مدعوین دسته های گل با مقداری آویشن و یا هدایای دیگری تقدیم عروس و داماد مینمایند، پس از انجام این مراسم، پذیرائی با دادن کلاب و آینه به عروس و داماد و مدعوین شروع میشود، معمولاً عروس و داماد هر کدام يك دانه نقل در دهان بکنند و میگذارند.
- پس از پایان جشن خانواده داماد بدون اینکه
- هدایائی که بآنها تقدیم شده با خود ببرند بمنزل میروند و خانواده عروس موظف است پس از يك یا سه روز تمام هدایا را بوسیله سه نفر با تشریفات نظیر آنچه در فوق ذکر شد بخانه داماد ببرند ولی در این روز هیچکس دعوت نمیشود و عروس هم نمیرود باین ترتیب جشن نامزدی یا «طلبان» پایان میپذیرد مدت فاصله بین نامزدی و عروسی خیلی متفاوت است و گاهی تا چندین سال ممکن است طول بکشد.
- در این مدت وظایفی بر عهده عروس و داماد است که باید اجرا نمایند و ذیلاً شرح داده میشود.
- ۱ - در تمام جشنهای بزرگ چون جشن نوروز، جشن خرداد و فروردین (۶)، جشن تیرگان (۷)، جشن تیر و تشر (۸)، جشن مهرگان و غیره باید داماد هدایائی از قبیل قواره پارچه و شیرینی و قند سبز و دستمال ابریشی سبز و آویشن برای عروس بفرستد و آنرا «جشنی» گویند. عروس نیز هدایائی نظیر آنچه برایش فرستاده اند با همان تشریفات عودت میدهد.
- ۲ - در نخستین بار که پس از اجرای مراسم نامزدی برف پیارد داماد باید هدایائی نظیر «جشنی» بنام «برقی» (۹) برای عروس بفرستد و عروس نیز نظیر آن عودت دهد.
- ۳ - در صورتیکه عروس یا داماد بمسافرت بروند طرف دیگر هدایائی نظیر «جشنی» و «برقی» بنام «سرراهی و چشم روشنی» بمسافر تقدیم میکنند ولی در اینجا طرفی که مسافر است هدایائی عودت نمیدهد فقط پس از مراجعت از سفر «سوغاتی» میآورد.
- ۴ - اگر یکی از طرفین بزیارت برود طرف دیگر علاوه بر «سرراهی و چشم روشنی» هدیه دیگری نیز بنام «بس پائی» بوسایل مقتضی برای زائر میفرستد که در ایام زیارت بوی تقدیم شود (۱۰)

(۴) تعداد و مقدار و نوع آنها قبلاً با موافقت طرفین تعیین شده است.

(۵) در صورتیکه مواسع نباشد شمهارا نزدیک خانه عروس روشن میکنند.

(۶) ششم فروردینماه. این جشن بنام «هودرو Havdorou» معروف است و در شماره های ۳ و ۹

مجله پشوتن شرح داده شده.

(۷) اورمزد و تیرماه (سوم تیرماه) در شماره ۴ مجله پشوتن شرح داده شده.

(۸) در شماره ۴ مجله پشوتن شرح داده شده.

(۹) معمولاً هدایا ساده تر از جشنی و منحصر بپارچه لباس زمستانی و شیرینی و آویشن است.

(۱۰) معمولاً جعبه شیرینی است. راجع باین زیارت ها و مراسمی که در آن امکان انجام میگیرد در موقع

مناسب شرح داده خواهد شد.





و بلاوه پس از برگشتن از زیارت نیز هدیه ای برای زائر فرستاده میشود.

### عروسی یا سور (۱۱)

در صورتیکه یکی از خانواده عروس یا داماد عزادار باشند عروسی برقرار نمیشود و اگر مجبور بانجام آن باشند خیلی مختصر خواهد بود. تشریفاتیکه قبل از روز عروسی انجام میشود برقرار زیر است:

۱- دوختن رختخواب: در انتخاب روز و ماه برای عروسی دقت زیاد میشود و پس از انتخاب سه یا پنج روز قبل از آن از طرف داماد و درخانه او با تشریفات رختخواب عروسی دوخته میشود در روز مزبور مادر عروس با اتفاق دو نفر دیگر نخ و ملاقه لعاف و توشک و متکاو دو عدد کله قند و دستمال ابریشمی سبز و عرقچین (۱۲) بخانه داماد میبرند و پس از تمام شدن رختخواب و قبل از تانودن، مادر عروس یک عدد کله قند و قدری آویشن وسط آن میگذارد و این کله قند متعلق بلعاف دوزاست. این تشریفات با صرف شربت و شیرینی و کلاب و آینه خاتمه مییابد.

۲- چنانچدان: - سه یا پنج روز قبل از عروسی از طرف داماد مقداری حنا و شیرینی و آویشن برای عروس میفرستند و خانواده عروس هم برای هر یک از بستگان و دوستان و آشنایان دو خانواده یک ظرف کوچک از آن حنا و شیرینی میفرستند این عمل تشریفات مخصوصی ندارد.

روز عروسی: صبح روز عروسی اشخاصی که مایل باشند با عروس بحمام میروند و بعد از ظهر از طرف خانواده داماد هفت یا نه نفر برای آراستن عروس به

### لباس و زینت آلات عروس

خانه او میآیند (۱۳) این اشخاص لباس عروس را که از طرف داماد تهیه شده با قدری آویشن و یک کله قند و شیرینی با خود میآورند پس از ورود با کلاب و آینه و شربت و شیرینی پذیرایی میشوند و بعد از مادر عروس با هدیه یک کله قند برای آرایش و لباس پوشاندن به عروس کسب اجازه مینمایند، موی سر را باید مری یا «استاد» عروس بتابد (۱۴) پس از تمام شدن آرایش (۱۵)، عروس را لباس میپوشانند (۱۶)

(۱۱) سور در لهجه دری (مراد لهجه متداول میان زرتشتیان ایرانست) بمعنی عروسی است و مفهومش غیر از آنست که امروزه در زبان فارسی معمولی متداول است.

(۱۲) در قدیم خیلی مرسوم بوده ولی فعلا متروک مانده است.

(۱۳) خاطره این روز و آرایش آن از نظر بانوان محو نمیشده زیرا بستگان داماد در موقع بافتن موی سر عروس بی محابا موی سرش را میکشیده اند و او جرئت شکایت نداشته است و معمولاً از طرف مادرش بوی تلقین میشده که صدایش در نیاید.

۱۴- دختران را برای تربیت شدن بخانه یکی از بانوان کدبانو میفرستادند تا خانه داری یاد بگیرد، این مری را «استاد» و دختر را «مزیر» *mezir* مینامیدند.

۱۵- و سه و سرمه کشیدن بچشم از واجبات این آرایش بوده است.

۱۶- لباس و زینت آلات عروس عبارتست از پیراهن زری یا زربافت دو رنگ، کت بلند بنام «نیمس» *nimess* لچک زری - مقنعه سبز، کفش ساغری، جوراب سبز، پیش سری قره یا طلا، طلسم و ماسوره که بگردن آویزان میشود، میل یا النگو و کهربا و گوی قره که زینت دست هستند، و بالاخره یک روسری ابریشمی سبزرنگ که نظیر تور سر عروسی امروزی میباشد.



خانه عروس روان میشوند و رود اینان نیز با فریادهای شادی «ها برو، ها برو، ها برو شاباش» استقبال و اطلاع داده میشود. این هفت نفر را شاهد گویند و برای اطمینان از رضایت دختر باین عروسی و اطلاع یافتن از هویت و کیلی که دختر از طرف خود برای اجرای مراسم گواه (۲۲) انتخاب مینماید نزد عروس میروند. این جلسه بسیار مهم و دقیق و جدی است و جنبه تشریفاتی ندارد زیرا شاهدها یعنی آن هفت نفر خود را در مقابل خدا و وجدان و داماد و دستور (موبد) مسئول میدانند و باید اطمینان کامل حاصل کنند که دختر کاملاً باین ازدواج راضی است. باین واسطه است که اشخاص کمتر مایلند این مسئولیت را قبول کنند و بعنوان شاهد بخانه عروس بروند، در هر صورت پس از رسیدن به خانه عروس بدون اندکی توقف در مقابل او که بر روی توشک نشسته است. در یک یا دو صف قرار میگیرند و شمع هارا اندکی بالاتر از محاذات صورت نگ میدارند. در ردیف جلو و وسط صف دهبوبد مینایستند و با صدای بلند و آهنگ مخصوصی عبارت زیر دختر را مخاطب قرار داده و رضایت او را استوال میکنند و اسم و مشخصات و کیلی یا نماینده او را که باید در مجلس گواه بجای او بنشینند می پرسند (۲۳) مثلاً اگر اسم دختر بروین اسم پدرش جمشید اسم جدش بهرام و نام فامیلس خردی باشد چنین خطاب میکنند (۲۴)

بروین جمشید بهرام خردی هه هه هه هوئی: دختر باید بطور وضوح جواب بدهد «بلی» (۲۵) معمولاً در اینجاست چندین دفعه صدایش نکشند جواب نمیدهد

این جریانات تا غروب طول میکشد، بعد عروس را روی توشکی که گوشه بسکم بزرگ (۱۷) پهن شده در حالی که خواهر داماد طرف دست راست و خواهر عروس طرف دست چپ وی قرار گرفته اند می نشانند و در انتظار آمدن «شاهدها» (۱۸) از خانه داماد می نشینند.

تا مقارن این زمان در خانه داماد غیر از مدعوین که جمع شده اند و با گلاب و آینه و شربت و شیرینی پذیرائی میشوند خبر دیگری نیست.

قبل از غروب و پس از تمام شدن آرایش از خانه عروس يك كله قند، يك انار شیرین (۱۹) يك دانه تخم مرغ يك قیچی و يك قواره پارچه سبز و یک دست لباس کامل داماد با مقداری آویشن مخلوط با مستی برنج در سینی های متعدد بخانه داماد میآورند. فریاد های شادی دستجمعی و بی دربی که بصورت کلمات «ها بروها بروها برو شاباش Haboro-Shābāsh» و با آهنگ مخصوصی کشیده میشود و زود حاملین این اشیاء و همراهانش را بخانه داماد اطلاع میدهد (۲۰).

مادر داماد با مجری از آتش که در آن عود و کندر و اسفند میسوزد و بخور خوشبوئی از آن متصاعد میشود آنها را پیشواز مینماید و چند مشت برك آویشن بر سر و اردین مینماید لحظه ای پس از رسیدن این اشیاء، پنج نفر از معتمدین و اقربای داماد با اضافه يك نفر بزرگ و معتد طرفین و دهبوبد (۲۱) که میخواهند هفت نفر میشوند هر کدام شمع روشن میکنند و در دست میگیرند و بصورت عمده زیادی تماشاچی بسوی

۱۷ - در قدیم خانه زرتشتیان بطرز نسبتاً خاصی که باید یادگار از زمان خیلی قدیم باشد ساخته میشده و معمولاً دارای يك یا چهار سالن شبیه بتالار بوده که بنام «پسکم Pesskam» نامیده میشده و یکی از آنها که وسیع تر بوده بنام «پسکم مس Pesskam mass» یا پسکم بزرگ معروف و تمام مراسم اعم از جشن ها یا عزرا در آن محوطه انجام میشده. ۱۸ - بعد بیاید.

۱۹ - در هر فصلی از سال باشد باید انار شیرین تهیه شود و از واجبات است.

۲۰ - رسیدن این اشیاء بخانه داماد علامت آنست که عروس لباس پوشیده و حاضر است.

۲۱ - بفتح ذال بجای شاگرد و کنگ موبد یا دستور است و بعضی از مراسم مذهبی را بجای وی انجام میدهد. ۲۲ - «گواه» نظیر «صیغه عقد نکاح» است و همیشه در شب عروسی و بوسیله موبد یا دستور انجام میگیرد.

۲۳ - امروز چون دختر شخصاً در «مجلس گواه گیری» حاضر میشود این تشریفات زیادی و از بین رفته است.

۲۴ - سؤال و جواب بزبان دری است.

۲۵ - جواب مثبت عروس با فریاد شادی تماشاچیان بدرقه میشود و سایرین را مطلع میسازد.



و هر دفعه ای که جواب ندهد خواهرش که طرف دست چپ نشسته میگوید مثلارفته است گل بچیند ، نان یزد..... بالاخره باید با صدای بلند جواب بدهد بطوریکه تمام شاهد ها بشنوند و اگر شاهدهی نشنود قانع نشده و بدهوید تکلیف میکند مجدداً او را بنام صدا کند پس از اینکه شاهد ها همه جواب را شنیدند و مراتب را در حضور یکدیگر و تماشاچیان تصدیق کردند دهموید ادامه میدهد : (فرض میکنیم اسم داماد پرویز فرزند خسرو و نام خانواده اش چراغی است) امشب شب عروسی شما با پرویز پسر خسرو چراغی است آیا شما باین معنی راضی هستید ؟

در اینجا دختر باید صراحتاً جواب مثبت بدهد و اگر جواب ندهد اینقدر سؤال را تکرار میکنند تا جواب بدهد و شاهد ها بشنوند و مراتب را در حضور یکدیگر و تماشاچیان تصدیق کنند ، باز دهموید می پرسد :

در مجلس گواه و کیل شما کیست ؟ دختر باید اسم و کیل را با مشخصات بیان کند ، معمولاً پدر یا پدر خوانده خود را تعیین میکند .

شاهد ها پس از شنیدن جواب سئوالات فوق با اتفاق هفت نفر از طرف عروس و داماد و مادر عروس بخانه داماد مراجعت میکنند و نتیجه را با اطلاع داماد و بستگان او و دستور (موید) میرسانند .

داماد پس از اطلاع از نتیجه ، با مساعدت دهموید لباس دامادی خود را که قبلاً از خانه عروس برایش فرستاده بودند می پوشد ولی نباید هیچکدام از گرم ها و دکمه های لباس را تا خاتمه مراسم گواه گیری بپندد سپس برای اجرای مراسم « گواه گیری » بحضور و کیل عروس و دستور می آید . داماد و و کیل دختر (۲۶) رو بروی یکدیگر می نشینند ، درست راست

داماد « موید » و سمت چپ او « دهموید » بشکل زیر قرار میگیرند :

و کیل دختر



داماد

در جلو آنها سفره گواه گسترده و هفت شمع یا چراغ افروخته است و سینی « لورک » (Lorck) (۲۷) و شیرینی که از طرف داماد تهیه شده در وسط قرار دارد و گرداگرد سفره ، گواهان زن و مرد می نشینند و چون « کشتی نو کردند » (۲۸) دستور هفت دانه « لورک »

در دست راست داماد گذاشته و آنرا با دست راست و کیل عروس برسم پیمان بهم پیوند میدهد و اشیائی که از طرف عروس قبلاً بخانه داماد آورده بودند (۲۹)

بدست برادر داماد یا برادر خوانده اش میدهند و او باید در تمام مدت اجرای مراسم گواه گیری پشت سر داماد ایستاده و اشیاء مذکور را بالای سر وی نگاهدارد این عمل را اصطلاحاً « دست برداماد گذاشتن »

گویند.

« دستور » قبل از شروع بقرائت اندرز گواه گیری از « دهموید » و سایر شاهد ها می پرسد که آیا دختر راضی بوده و و کیل خود را معرفی کرده است یا نه و چون از جواب مثبت عروس و هویت و کیل اطمینان حاصل کرد بشرح زیر اندرز گواه گیری را قرائت می کند .

۲۶ - امروز خود دختر در مراسم گواه گیری حاضر میشود و احتیاجی بو کیل نیست .

۲۷ - لورک مخلوطی است از هفت چیز چون مغز بادام ، مغز پسته ، سنجد ، خلال نارگیل ، خرما ، خشک ، تکه های نبات ، نقل سفید بید مشک ، کشمش سبز و غیره وجود سنجد از واجبات است .

۲۸ - راجع « بسدره » و « کشتی » و « کشتی نو کردن » در شماره های بعد خواهیم نگاشت .

۲۹ - انار شیرین ، قیچی ، تخم مرغ و بارچا ، سبز و راجع با آنها بعد در ضمن همین موضوع گفتگو خواهد شد .



بنام ایزد بخشاینده بخشایشگر مهربان (۳۰) چون جواب شنید قطعه مخصوصی از اوستارا با آهنگ میخواند.

« پس از پایان قطعه مزبور پیدرزن رو نوده و باو تکلیف میکند که باوی در ادای عبارت زیر هم صدا گردد. (۵۶) »  
« پروین دخت را بارضایتی که بخودش میرسد و سرپرستی که پیدرش میرسد در گیتی و مینو ..... پیادشاه زنی بیرویز پسر دادم. »  
و بلافاصله رورا بطرف داماد نوده و با همان لحن باوی همصدا میشود.

« پروین دخت بارضایتی که بخودش میرسد و سرپرستی که پیدرش میرسد (۳۴) پیادشاه زنی پذیرفته که او را از گرسنگی و تشنگی و سرما و گرما دوردارم ، او را بته بجائی باز ندارم ، او را در همه کاریک بکامش سازم ، او را خواسته خودم در بهای پیرایه تن پوش دوهزار درم سفید سره با کیزه و دودینار زر سرخ خسروانی از سنج متقال بسنگ دهه مهر و کاین خود پیدا نمایم تا او بدان کار کرده باشد، خواسته این مهر و کاین که پروین اگر خود بخواهد یا اگر بکسی فرماید باو بدهم ، باو بسپارم جز این نکتم. »  
بلافاصله موبد بتنهائی خطاب بداماد و پیدر عروس میگوید :

دستور از داماد میرسد . شما که پرویز چراغی پور خسرو هستید دخت جمشید بهرام خردی را با رضایتی که حق خودش است و سرپرستی که پیدرش میرسد در گیتی و مینو بداد و بدین و بداد باکی بهم تنی وهم روانی « پیادشاه زنی » (۳۱) و کدبانوئی و خانه داری بآئین و بدین بدست و پیمان « پیادشاه زنی » پذیرفتید ؟ (۳۲)

دستور پس از این سوال مکت میکند و منتظر جواب داماد میماند، داماد باید جواب واضح و صریح بدهد و بگوید « بلی پذیرفتم. »  
دستور پس از گرفتن جواب از داماد ، رورا به پدر زن یاو کیل دختر که مقابل داماد نشسته و دست در دست او دارد کرده میبرد . شما که جمشید خردی پور بهرام هستید دخت خودتان (۳۳) پروین را بارضایتی که بخودش میرسد و سرپرستی که بشما میرسد در گیتی و مینو بداد و بدین بداد باکی بهم تنی وهم روانی پیادشاه زنی و کدبانوئی و خانه داری بآئین و بدین و بدست و پیمان « پیادشاه زنی » بیرویز دادید ؟ پیدرزن یاو کیل باید جواب مثبت بدهد و دستور

۳۰ - چون اندرز گواه گیری مفصل و بزبان پهلوی و دری بود از درج تمام آن خودداری شد فقط سنوالاتی که موبد در ضمن قسرائت اندرز گواه گیری از داماد و وکیل دختر میکند و خود را از درج آن ناگزیر دیدم درج گردید .  
۳۱ - باید دانست که یک نفر زرتشتی ممکن است یکی از این پنج قسم زن بگیرد . پادشاه زن ، ابوکزن سترزن ، خودرای زن ، چاکر زن و شرح تمام این اقسام در شماره های بعدی یاید .

شما که پرویز چراغی پور خسرو هستید دخت جمشید خردی پور بهرام رضایتی که  
شما خسته سالی که شه پیدر گیتی ، مینو ، دادیا دنیسا و  
اشو دادیا فی هم روانه پادشاه زنه کدکه بانوعه ان مان وده و در دنیا  
دستی پیمانهاست پیادشاه زنه پذیرفت ؟  
(۳۲) - عبارت  
مزبور مهربان  
دری چنین است

(۳۳) - اگر وکیل شخص دیگری غیر از پدر دختر باشد سوال قدری فرق میکند و متناسب موقع میشود.  
(۳۴) - ترجمه این قسمت ها از کتاب خرده اوستای رستم موبد رشید خورشید پاترجه و تصحیح آقای ماستر خدا بخش بهرام رئیس اقتباس شده است.



دادار اورمزد و مهر و سروش و روشن راست بشما گواه باشند؛ آدر خروه و آدر گشپ و آدر برزین مهر بشما گواه باشند، هغه نیکانی که در اینجایند بشما گواه باشند، من که فریدون (۳۵) هیربد هستم و شاگرد موبدان موبد بجانیشینی وهم برسیداری دستور تن خود آدر باد مار اسپندان بشما گواه باشم، من که فریدون هیربد هستم بشاگردی موبد بشما گواه باشم.

پس از اتمام بیانات موبد، بدر زن خطاب به موبد میگوید:  
 «من که جمشید خردی پور بهرام هستم بروین دخت بارضایتی که بخودش میرسد و سرپرستی که بیدرش میرسد در گیتی و مینو . . . . پیادشاه زنی پیرویز پسردادم.»  
 بعد داماد بهمین طریق میگوید:

«بروین دخت بارضایتی که بخودش میرسد و سرپرستی که بیدرش میرسد . . . . پیادشاه زنی پذیرفتم.»

دستور برای تأکید و تصریح سه دفعه از پدرزن میبرد: دادید؟ پدرزن هر سه دفعه باید جواب مثبت بدهد.

و بهمین قسم دستور از داماد میبرد: پذیرفتید؟ داماد هم باید هر سه دفعه جواب مثبت بدهد بعد دستور میگوید: فرخنده و خجسته باز نیک بخت و نیک قضایید ایدون باد ایدون تراج باد اشم و هونو . . . . اندرز گواه گیران و ستوال و جواب بالادر صورتی بود که دختر شخصاً در مجلس حاضر نباشد و پدرش یا شخص دیگری بوکالت از طرف او حاضر باشند ولی اکنون که دختر شخصاً در مجلس گواه گیری حاضر می شود عبارات پرسش و پاسخ اندرز گواه گیران اندکی فرق مییابد ولی اصول همان است. در صورت اخیر

دستور اندرز گواه گیران را بدین شرح شروع میکند. بنام ایزد بخشاینده بخشایشگر مهربان. امروز که انجمن بیوند زناشویی بروش دین وه مازدیسنی در اینجا برپاست من که موبد فریدون هستم بگواهی دادار اورمزد رایومند و خروه مند . . . . بگواهی امشاسپندان فیروزگر بگواهی مهر و سروش و روشن راست. بگواهی قروهر اشوزرتشت اسپستان. بگواهی وهان این بزم.

از شما بروین خردی دخت جمشید میبرسم که برویز چراغی پور خسرو را بداد و آئین دین وه مازدیسنی بهم تنی و همروانی بهسری خود میدهد؟ موبد پس از دریافت پاسخ آری از عروس میبرد. از شما برویز چراغی پور خسرو میبرسم که بروین خردی دخت جمشید را بداد و آئین دین وه مازدیسنی بهم تنی و همروانی پیادشاه زنی بهسری خود میدهد؟

و پس از دریافت پاسخ آری چنن میسراید. بختگی و فرخندگی من وهما وهان این انجمن از اورمزد توانا آرزو مندیم که باین پیوند زناشویی بایندگی و استواری و مهر و خوشی و شادکامی او افزونی فرزندان وه و خواسته فرارون و دیرزوشنی و سرانجام نیک ارزانی بدارد.

اینک چند اندرز بایسته دینی است بشنوید و در زانده گانی خویش بکار بندید تا شوه (۳۶) خشنودی اهورا مزدا و نیک بختی باشد. . . . نخت ستایش و نیایش دادار اورمزد است چرا که امان از داد و دهش خویش از هر گونه ارزانی داشته است، اهورا مزدا را دادار هروسف آگاه دانید و . . . . بهمین نحو اندرز داماد باید تا بجای خود بطوری که در بالا ذکر شد ستوالانی از داماد و عروس مینماید و بالاخره گواه گیری پایان مییابد. کشاورز

(۳۵) نام موبد فریدون فرض شده. (۳۶) مسبب، موجب.

مزه شوهر

دختر: مادر جان! شوهر چه مزه ای دارد؟  
 مادر فکری کرد و گفت شیرین فوراً خواهد خواست و اگر بگوید تلخ هیچوقت شوهر نخواهد خواست لذا گفت: شوهر ترش است. دختر: پس اینستکه هر وقت اسمش را میشنوم دهنم آب میافتد!